

برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس در راستای ارائه‌ی یک مدل راهبردی برای مناطق ایران؛ مطالعه‌ی موردی جزیره قشم

بازرگان امیری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه جغرافیای، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران

عزت الله عزتی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران

مجید شریعت پناهی

دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران

چکیده:

بی‌شک غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس در راستای ارائه‌ی یک مدل راهبردی برای مناطق ایران؛ مطالعه‌ی موردی جزیره قشم. سؤال اصلی این مقاله این است که برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس بایستی دارای چه ویژگی‌ها و مختصاتی باشد که بتوان از آن به عنوان مدلی برای همه مناطق این منطقه و از جمله جزیره قشم بهره گرفت؟ علاوه بر سؤال اصلی فوق سؤالات فرعی دیگری نیز در این مقاله مطرح شده است از جمله این که سازمان‌دهی فضا دارای چه تاریخچه‌ای است؟ چه نظریاتی در خصوص سازمان‌دهی فضا ارائه گردیده است؟ سازمان‌دهی مناسب فعالیت و انسان در پهنه سرزمین غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مختلف است. اگر چه در سطح خرد مکان‌یابی جهت حداکثر نمودن سود بنگاه و در واقع جانمایی بهتر فعالیت‌ها پیامد فضایی این نوع برنامه‌ریزی است ولی این جانمایی در راستای هدف بالاتر یعنی چیدمان منطقی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین ایفای نقش می‌کند به عبارت دیگر فرایند برنامه‌ریزی صحیح و سلسله‌مراتبی از سطح آمایش ملی شروع و با تدوین برنامه‌های میان مدت توسعه‌ای و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی به سطح برنامه‌ریزی خرد منتهی می‌شود. تحقیق حاضر کیفی است که در آن سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی و نیز سایر منابع علمی به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس در راستای ارائه‌ی یک مدل راهبردی برای مناطق ایران؛ مطالعه‌ی موردی جزیره قشم پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی فضا، منطقه خلیج فارس، جزیره قشم، ایران.

مقدمه:

ساماندهی فضا و به ویژه فضای جغرافیایی یکی از موضوعات اصلی رشته‌ی جغرافیایی سیاسی به شمار می‌رود. سازمان فضایی مبین روابط بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا است که به چگونگی پراکنش، توزیع و جهت فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و کنش متقابل آن‌ها مربوط است. برنامه‌ریزی فضایی به عنوان یک فن و روش، الگویی برای قانونمند کردن و انتظام فضایی اقدامات اثرگذار بخش عمومی و بخش خصوصی بر نحوی مکان‌گزینی و استقرار فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در فضای دو بعدی است. مؤسسه برنامه‌ریزی شهری پادشاهی بریتانیا دو تعریف از برنامه‌ریزی فضایی آورده است که اولین تعریف این است که برنامه‌ریزی فضایی یک تفکر انتقادی در زمینه مکان و فضا است که مبتنی بر عمل و مداخله است، اما دومی که دارای تعریف ساده‌تری نیز است برنامه‌ریزی فضایی را ساختن مکان و فضای میانجی می‌داند. برنامه‌ریزی فضایی به عنوان بهترین الگو برای توسعه‌ی فضایی پایدار ایفای نقش می‌کند. به برنامه‌ریزی از دو دیدگاه توجه می‌شود: یکی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و دیگری از دیدگاه تئوری پردازان. هر یک از این گروه‌ها به روش‌های مختلفی از برنامه‌ریزی نام می‌برند که عبارت است: یک نوع هنر، یک نوع مهارت، روشی برای عمل تعهد به نظم. سازمان‌دهی مناسب فعالیت و انسان در پهنه سرزمین غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مختلف است. اگرچه در سطح خرد مکان‌یابی جهت حداکثر نمودن سود بنگاه و در واقع جانمایی بهتر فعالیت‌ها پیامد فضایی این نوع برنامه‌ریزی است ولی این جانمایی در راستای هدف بالاتر یعنی چیدمان منطقی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین ایفای نقش می‌کند به عبارت دیگر فرایند برنامه‌ریزی صحیح و سلسله‌مراتبی از سطح آمایش ملی شروع و با تدوین برنامه‌های میان مدت توسعه‌ای و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی به سطح برنامه‌ریزی خرد منتهی می‌شود. در واقع هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در یک یا چند نقطه جغرافیایی از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم بخصوص ایران است. عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و تکیه سیاست‌گذاران به برنامه‌های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود از موانع اصلی توسعه ناموزون کشور است. برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در دوران سی ساله قبل از انقلاب نشان می‌دهد که به رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه، رژیم گذشته در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن بود که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زد و مانع از برخورداری متعادل همه مناطق از مواهب توسعه گردید. هدف اصلی این مقاله عبارت است از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس در راستای ارائه‌ی یک مدل راهبردی برای مناطق ایران؛ مطالعه‌ی موردی جزیره قشم. سؤال اصلی این مقاله این است که برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس بایستی دارای چه ویژگی‌ها و مختصاتی باشد که بتوان از آن به عنوان مدلی برای همه مناطق این منطقه و از جمله جزیره قشم بهره گرفت؟ علاوه بر سؤال اصلی فوق سؤالات فرعی دیگری نیز در این مقاله مطرح شده است که از جمله این که سازمان‌دهی فضا دارای چه تاریخچه‌ای است؟ چه نظریاتی در خصوص سازمان‌دهی فضا ارائه گردیده

است؟ سازمان‌دهی مناسب فعالیت و انسان در پهنه سرزمین غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مختلف است. اگرچه در سطح خرد مکان‌یابی جهت حداکثر نمودن سود بنگاه و در واقع جانمایی بهتر فعالیت‌ها پیامد فضایی این نوع برنامه‌ریزی است ولی این جانمایی در راستای هدف بالاتر یعنی چیدمان منطقی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین ایفای نقش می‌کند به عبارت دیگر فرایند برنامه‌ریزی صحیح و سلسله مراتبی از سطح آمایش ملی شروع و با تدوین برنامه‌های میان مدت توسعه‌ای و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی به سطح برنامه‌ریزی خرد منتهی می‌شود.

جدول شماره 1- دلایل ضرورت برنامه‌ریزی فضایی و اجرا کردن آن

جهت بهره‌برداری مناسب از امکانات و قابلیت‌های مناطق
جهت ایجاد تعادل فضایی در پهنه سرزمین
جهت تلفیق ویژگی‌های فرهنگی مناطق در فرایند ملی - منطقه‌ای
جهت ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی
جهت لحاظ مناسبات جهانی و منطقه‌ای در برنامه‌ریزی
جهت تخصصی کردن و دادن نقش‌های محوری به مناطق

رویکرد نظری و مفهومی بحث

بی‌شک هدف نهایی برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در یک یا چند نقطه جغرافیایی از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم بخصوص ایران است. عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و تکیه سیاست‌گذاران به برنامه‌های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود از موانع اصلی توسعه ناموزون کشور است. برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در دوران سی ساله قبل از انقلاب نشان می‌دهد که به رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه، رژیم گذشته در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن بود که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زد و مانع از برخورداری متعادل همه مناطق از مواهب توسعه گردید. جغرافیای سیاسی شاخه‌ای از علم جغرافیا است که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیمات سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. نقش ویژه جغرافیای سیاسی، سازماندهی سیاسی فضا (هماهنگی قسمت‌های مختلف) در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای است؛ و امروزه در ایران این رشته به نام مطالعات منطقه‌ای شناخته می‌شود. ژئوپلیتیک که به طور سنتی بر اساس اطلاعات، دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می‌پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می‌شود. جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور

سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است (گلفشان و واثق، 1395: 167). فضا واژه‌ای است که در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی به‌طور وسیع استفاده می‌شود. لیکن تکثر کاربرد واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه‌های فوق نیست، بلکه تعریف فضا از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی است. مطالعات نشان می‌دهد با وجود درک مشترکی که به نظر می‌رسد از این واژه وجود دارد، تقریباً توافق مطلق در مورد تعریف فضا در مباحث علمی به چشم نمی‌خورد و این واژه از تعدد معنایی نسبتاً بالایی برخوردار است و تعریف مشخص و جامعی وجود ندارد که دربرگیرنده تمامی جنبه‌های این مفهوم باشد. فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را پر می‌کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است و ... فضا ماهیتی جیوه مانند دارد که چون نه‌ری سیال، تسخیر و تعریف آن را مشکل می‌نماید. اگر قفس آن به اندازه کافی محکم نباشد، به راحتی به بیرون رسوخ می‌کند و ناپدید می‌شود. فضا می‌تواند چنان نازک و وسیع به نظر آید که احساس وجود بعد از بین برود (برای مثال در دشت‌های وسیع، فضا کاملاً بدون بعد به نظر می‌رسد) و یا چنان مملو از وجود سه بعدی باشد که به هر چیزی در حیطه خود مفهومی خاص بخشد. با اینکه تعریف دقیق و مشخص فضا دشوار و حتی ناممکن است، ولی فضا قابل اندازه‌گیری است. مثلاً می‌گوییم هنوز فضای کافی موجود است یا این فضا پر است. نزدیک‌ترین تعریف این است که فضا را خلأی در نظر بگیریم که می‌تواند شیء را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود. نکته دیگری که در مورد تعریف فضا باید خاطر نشان کرد، این است که همواره بر اساس یک نسبت که چیزی از پیش تعیین شده و ثابت نیست، ارتباطی میان ناظر و فضا وجود دارد. به‌طوری که موقعیت مکانی شخص، فضا را تعریف می‌کند و فضا بنا به نقطه دید وی به صورت‌های مختلف قابل ادراک می‌باشد (اکبری، 1384: 39).

نظریات رایج در مورد فضا به سه دسته تفکیک می‌شوند

- نظریاتی که فضا را تعیین‌کننده‌ی روابط انسانی قلمداد می‌کنند.
- نظریاتی که روابط انسانی را شکل‌دهنده‌ی فضا می‌دانند.
- نظریاتی که فضا و انسان را در تعامل متقابل می‌پندارند (نسترن و میرزایی، 1394: 39).

نظم دهی فضا توسط طراحان و شهرسازان صورت می‌گیرد. نظم فضایی بیان فیزیکی ایدئال‌های منبعث از فرهنگ جمعی یا انفرادی است که خود را از منظرسازی مناطق تا چیدمان فضای داخلی نشان می‌دهد. نظم فضایی و نظم مفاهیم را تنها به شکل ذهنی می‌توان تفکیک کرد. مفاهیم به صورت نمادی از طریق علائم، رنگ‌ها، فرم و منظر بیان می‌شود. در مجتمع‌های زیستی سنتی نظم مفاهیم تطابق تقریباً کاملی با نظم فضایی دارد. در مجتمع‌های زیستی مدرن نظم مفاهیم به صورت سیستم نمادی مستقلاً برای بیان موقعیت‌های اجتماعی درآمده و از نظم فضایی فاصله گرفته است. ارتباط نظم داده شده، کنترل روابط میان انسان و انسان، انسان و اشیا، اشیا و اشیا است. این عامل نیز با دو عامل قبل هماهنگ است. به‌طوری که ارتباط میان محیط و انسان‌ها از طریق مفاهیم صورت می‌گیرد. محیط‌زیست قادر است با به‌کارگیری نظم فضایی و مفهومی بر نظام ارتباطات تأثیر گذارد. نظام فضایی منطبق بر نظام مفاهیم می‌تواند ماهیت، جهت و حجم ارتباطات را تعریف و کنترل کند. زمان ممکن است به دو معنی درک شود؛ نخست زمان در مقیاس وسیع مانند زمان طولی یا دورانی و دوم آهنگ فعالیت‌های انسانی. نحوه‌ی درک کلیت زمان بر نظم فضایی، نظم مفاهیم و ارتباطات تأثیرگذار است. چنانکه تفکر گذشته‌نگر انگلیسی و

آینده‌گرای آمریکایی در ساماندهی فضایی اثر داشته است. از سوی دیگر سرعت وقوع فعالیت‌ها در واحد زمان و نحوه توزیع آن‌ها در طول زمان، برداشت دوم از نظم زمانی را آشکار می‌کند (نسترن و میرزایی، 1394: 39).

ژئوپلتیک خلیج فارس^۱

خلیج فارس پهنه‌ای است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. مساحت خلیج فارس 237473 کیلومتر مربع است و پس از خلیج مکزیک و خلیج هادسون^۲ سومین خلیج بزرگ جهان بشمار می‌آید. خلیج فارس از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند و دریای عرب راه دارد و از غرب به دلتای رودخانه اروندرود که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات و پیوستن رود کارون به آن است، ختم می‌شود (قراگز لو، 1379: 53).

خلیج فارس^۳ از جمله مناطق آبی جهان است که امروزه به یکی از کانون‌های اصلی بحران و اختلاف بین‌المللی تبدیل شده است. این منطقه از جنبه‌های گوناگون دارای ویژگی‌های متمایزی در مقایسه با سایر مناطق آبی و خشکی‌های جهان است که به آن اهمیت و برجستگی‌های فوق‌العاده‌ای بخشیده است. اهمیت فزاینده آن نیز باعث بروز برخی اختلافات و منازعات اقتصادی و به خصوص سیاسی شده است. منطقه‌ای نفت‌خیز که از مهم‌ترین مناطق تأمین نفت جهان محسوب می‌شود. وسعت آن بین 220 تا 240 هزار کیلومتر مربع است یعنی تقریباً مساحتی نصف مساحت دریای خزر. طول سواحل خلیج فارس 3000 کیلومتر است که بیشترین خط ساحلی را ایران دارا است یعنی از دهانه فاو گرفته تا تنگه هرمز جزو مناطق ساحلی ایران محسوب شده و بقیه خطوط ساحلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را شامل می‌شود. بنابراین از 3000 کیلومتر خط ساحلی 1722 کیلومتر آن از آن ایران است. طول خلیج فارس از عراق تا تنگه هرمز 1000 کیلومتر و عرض آن در بعضی جاها بین 100 تا 300 کیلومتر است (مجتهدزاده، 1378: 9). کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند. به سبب وجود منابع سرشار نفت و گاز در خلیج فارس و سواحل آن، این آبراهه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای مهم و راهبردی بشمار می‌آید. نام تاریخی این خلیج، در زبان‌های گوناگون، ترجمه عبارت خلیج فارس یا دریای پارس بوده است. همچنین در تمام سازمان‌های بین‌المللی نام رسمی این خلیج، خلیج فارس است اما برخی از کشورهای عربی در دهه‌های اخیر آن را خلیج عربی یا به سادگی، خلیج می‌نامند. سازمان آبنگاری بین‌المللی از نام خلیج ایران (خلیج فارس) برای این خلیج استفاده می‌کند (همان، 1378: 53).

مشخصات ژئوپلتیک قشم^۴

قشم بزرگ‌ترین جزیره ایران و خلیج فارس واقع در تنگه هرمز است. قشم به سه بخش مرکزی و بخش شهاب و بخش هرمز 7 دهستان تقسیم شده است. شهر قشم در شرقی‌ترین نقطه جزیره واقع شده است و به رغم آنکه این شهر نسبت به کل جزیره مرکزیت هندسی ندارد، اما به علت موقعیت مهم استراتژیک آن (دید گسترده به جنوب، شمال و شرق، دید به تنگه هرمز، نزدیکی به بندرعباس و...) از قدیم واجد اهمیت بوده و عمده‌ترین سکونتگاه

^۱ . The Persian Gulf

^۲ . Gulf of Mexico and the Hudson Bay

^۳ . Persian gulf

^۴ . Qeshm, formerly also known as Kishm, is an Iranian island in the Strait of Hormuz, separated from the mainland by the Clarence Strait/ Khuran in the Persian Gulf. It is the largest island in Iran.

جزیره محسوب می شده است. انتخاب شهر قشم به عنوان پایگاه اصلی توسعه منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم نیز بر اهمیت این شهر افزوده است. به دلیل بازار پررونق و ورود کالاهای بسیار مهم از کشورهای حاشیه خلیج فارس به این جزیره، وجود بنادر مهم و همچنین بنادر اختصاصی بسیار مهم هستند. چنان که در قدیم بنادر صیادی و بنادر تجاری در کنار یک دیگر قرار داشته ولی اکنون به دلیل رونق اقتصادی بنادر به صورت اختصاصی و ویژه امور خدمات به کشتی های تجاری و صیادان را انجام می دهند. بنادر مهم و صیادی شهرستان قشم به ترتیب زیر می باشند. جزیره های بزرگ پیرامون قشم جزیره هنگام، هرمز و لارک هستند. بعضی جزیره های کوچک اطراف قشم وجود دارند که فاصله کمی با ساحل جزیره دارند و هنگام برکشند و فرو کشند (جزر و مد) به ساحل جزیره می پیوندند و می گسلند همین باعث نام گذاری این چند جزیره کوچک بعنوان جزایر ناز شده است که گویی در پیوستن به جزیره ناز می کنند.

جدول شماره 1- ترکیب جمعیتی قشم (طبق سرشماری آبان ماه سال 1390)

جمعیت کل جزیره قشم	774111 نفر
تعداد خانوار	28818 خانوار
جمعیت شهری	47848 نفر
جمعیت روستایی	69926 نفر
جمعیت مردان	59749 نفر
جمعیت زنان	58025 نفر

منبع: (سازمان آمار کشور)

این جزیره از شمال به شهر بندر عباس، مرکز بخش خمیر و قسمتی از شهرستان بندر لنگه، از شمال خاوری به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک، از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب باختری به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی محدود می گردد. فاصله جزیره قشم (از بندر قشم) تا بندرعباس 10/8 مایل (20 کیلومتر) تا بندر هرمز 9/72 مایل (18 کیلومتر)، جزیره لارک (تا مرکز دهستان لارک) 4/85 مایل (9 کیلومتر) تا جزیره ابوموسی 88/01 مایل (163 کیلومتر) و جزیره تنب بزرگ 61/55 مایل (114 کیلومتر) است. این جزیره با وسعت 1500 کیلومترمربع (0/1 درصد مساحت کشور) و 260 کیلومتر ساحل (حدود یک درصد طول سواحل آبی کشور) و بیش از یک صد هزار نفر جمعیت، به راحتی می تواند با بهره گیری از اصول صحیح آمایش سرزمین و توسعه پایدار، سالانه پذیرای بیش از 3 تا 4 میلیون نفر مسافر داخلی و هزاران مسافر خارجی از منطقه آسیای میانه، حاشیه دریای خزر، ارمنستان و گرجستان در فصول پاییز و زمستان به صورت بازدید روزانه، ترانزیت و اقامت شبانه یا چند روزه باشد. آمایش حمل و نقل و گردشگری جزیره قشم نیاز به توجه جدی و عمیق به ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و فنی - مهندسی دارد.

تقسیمات مرزهای سیاسی در خلیج فارس

از آنجا که نفت علت وجودی برخی از کشورهای خاورمیانه و خصوصاً در خلیج فارس را تشکیل می‌دهد، تحدید حدود مرزهای سیاسی برای خشکی و آب مکرراً تحت تأثیر وجود نفت صورت گرفته است و گاهی محرک اختلاف بین همسایه‌ها و گاهی مشوق همکاری منطقه‌ای بوده است. در خلیج فارس هشت کشور هم کرانه‌اند که شانزده قطعه مرز دریایی میان آن‌ها می‌تواند به وجود آید. از این تعداد هفت قطعه تعیین شده‌اند که شش قطعه آن به شرح زیر رسمیت یافته‌اند:

1- مرز ایران و عربستان در 1968 میلادی

2- مرز ایران و قطر در 1970 میلادی

3- مرز ایران و عمان در 1975 میلادی

4- مرز ایران و بحرین در 1972 میلادی

5- مرز بحرین و عربستان در 1958 میلادی

6- مرز قطر و امارات متحده عربی (ابوظبی) در 1969 میلادی (ماکویی، 1385: 29).

دست کم 10 قطعه مرز دریایی دیگر در خلیج فارس باید تعیین شوند و رسمیت یابند اما هنوز بعد از مدت‌ها کشمکش این مرزها به دلیل اختلافات دقیقاً مشخص نشده‌اند. این 10 قطعه شامل موارد زیر است:

1- مرز بحرین و قطر: اختلافات دو کشور مربوط به منطقه زباده، حاکمیت بر مجمع‌الجزایر حواری، پهنای دریای سرزمینی و فلات قاره دو کشور است. البته کانون اصلی اختلاف دو دولت حاکمیت بر سر جزایر حواری است که علی‌رغم غیرمسکونی بودن، به دلیل وجود منابع نفت و گاز مورد توجه دو کشور است (اسکوفیلد، 1377: 41).

در مجموع موضوعات و چالش‌های مهم کنونی موجود در خاورمیانه را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

1- قیام مردم بحرین و مداخله ارتش عربستان در سرکوب اعتراضات

2- تداوم حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس

3- گسترش آرام و تدریجی پیمان ناتو در کشورهای عربی

4- جنگ قدرت‌های رقیب در فضای ناآرامی‌های سوریه

5- تداوم جنگ طلبی اسرائیل

6- چگونگی تشکیل دولت فلسطینی

7- راهکارها و شیوه‌های ایجاد ثبات و امنیت در کشورهای عبور کرده از دیکتاتوری (اسماعیل پورمقدم و دیگران، 1395: 101).

محور اصلی تجزیه و تحلیل تحولات عربی بر پایه رقابت دولت‌ها برای افزایش نقش و نفوذ خود در چارچوب توازن قوا صورت می‌پذیرد، محوری که کمتر به آن توجه شده ولی روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. به عنوان مثال، پیچیدگی‌های مسائل مصر، بحرین، یمن و بحران سوریه بیشتر به دلیل ترکیب مسائل و پویایی‌های سیاست داخلی این کشورها با مسائل منطقه‌ای و نقش کلاسیک دولت‌ها برای حفظ توازن قدرت است و همین موضوع پیش‌بینی سرنوشت بحران‌های منطقه‌ای را بسیار دشوار کرده است. ایران، روسیه، چین و حتی عربستان نقش خود را برای مهار تهدیدات و افزایش ضریب امنیت ملی خود دنبال می‌کنند. بر این مبنای، محور مدل امنیتی، ایدئولوژی و اقتصاد همگی به عنوان ابزارهایی برای افزایش نقش بازیگران اصلی در منطقه در چارچوب معادلات قدرت صورت می‌گیرد. عربستان و مصر همراه با رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگر پشت پرده و به ظاهر غیر فعال که منافع خود را از طریق آمریکا پیگیری می‌کند قرار دارند. در بلوک بازیگران فرامنطقه‌ای نیز دو بازیگر اصلی آمریکا و روسیه هستند. در این چارچوب، ویژگی جدید تحولات عربی تأثیر پتانسیل داخلی جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. رقابت ایران و ترکیه نیز بیشتر بر مبنای نگرانی از افزایش نقش منطقه‌ای یکدیگر است. ترکیه سیاست کسب رهبری سیاسی در منطقه خاورمیانه را دنبال می‌کند. دوستی بالقوه ایران و مصر یا حتی رقابت این دو کشور نیز بیشتر در خصوص میزان تأثیرگذاری بیشتر و بهتر بر تحولات آینده منطقه است. رقابت ایران با آمریکا نیز بر مبنای مهار یکدیگر و افزایش نقش و نفوذ دو کشور قرار دارد. ایران معتقد به تلاش برای کمک به فلسطینیان برای بازگشت به سرزمین مادری و تشکیل یک دولت در تمام سرزمین‌های فلسطینی با کسب آراء تمام مردم این سرزمین است و بر این باور است که دولت جعلی اسرائیل جایگاهی در خاورمیانه ندارد (کریم زاده و قادری کنگاوری، 1392: 73). عربستان نیز به عنوان یک بازیگر محافظه‌کار سنتی منطقه در پی مهار تهدیدات و حفظ امنیت پادشاهی حاکم است. این کشور سعی می‌کند تا کمتر تحت تأثیر تحولات و تغییرات داخلی جهان عرب از قبیل اصلاحات سیاسی، حقوق زنان، نقش جوانان و غیره قرار گیرد و به واقع از سرایت تحولات بهار عربی به درون مرزهای خود جلوگیری می‌کند. اسرائیل بیشتر در پی توسعه امنیت و حفظ بقاء خود است. این کشور تحت تأثیر تحولات جهان عرب نگران واکنش منفی سیاست داخلی جوامع عربی به موجودیت اسرائیل و روند صلح اعراب و اسرائیل و برهم خوردن پیمان کمپ دیوید است؛ بنابراین سیاست منفعل صبر و احتیاط را پیشه کرده و عمدتاً از طریق آمریکا خواهان مدیریت تحولات عربی است. آمریکا سیاست سنتی افزایش نفوذ و تسلط بر جریان‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی در منطقه را با هدف مدیریت تحولات جهان عرب از طریق به‌کارگیری قدرت هوشمند، دیپلماسی عمومی و ارائه مدل غربی حکومتی، تمرکز بر طبقه متوسط و دمکراسی سازی در منطقه پیگیری می‌کند. نهایتاً روسیه نیز با استفاده از پتانسیل‌های داخلی جهان عرب نگران از دست دادن نقش منطقه‌ای خود برای مهار آمریکا است

بررسی سازمان‌دهی امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه خلیج فارس

ایران در مدخل خلیج فارس تعدادی جزایر استراتژیک را تحت حاکمیت دارد که از آن میان شش جزیره لارک، هرمز، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی از اهمیت استراتژیک بیشتری برخوردارند. گرچه عربستان سعودی به عنوان کشوری با سواحل نسبتاً طولانی و موقعیت مناسب‌تر اقتصادی سیاسی نسبت به دیگر کشورهای عرب خلیج فارس و با ادعای رهبری جهان اسلام همیشه امیرنشین‌های کوچک خلیج را حوزه نفوذ خود دانسته و سعی دارد در بحران‌های منطقه نقش فعالی داشته باشد مانند بحران کویت در 91-1990 میلادی اما واقعیت این است که ایران بزرگ‌ترین و پرنفوذترین کشور منطقه است با بیشترین جمعیت و بزرگ‌ترین استعدادهای اقتصادی، استراتژیک و سیاسی. برخلاف ادعای وزیر خارجه مصر در 1991 میلادی که معتقد بود امنیت خلیج فارس یک مسئله پان عربی

است و چون مصر بزرگ‌ترین و با نفوذترین کشور منطقه است پس هر آنچه بر امنیت خلیج فارس اثر نهد لزوماً بر امنیت همه کشورهای عربی به ویژه مصر اثر خواهد گذاشت، می‌توان گفت خلیج فارس منطقه‌ای منحصر به اعراب نیست چطور می‌شود کشوری چون ایران با داشتن همه سواحل شمالی خلیج فارس نباید و نمی‌تواند در امنیت خلیج فارس وارد شود اما مصر با صدها کیلومتر فاصله در این منطقه منافعی دارد و باید در سیستم امنیتی آن نقش برتر داشته باشد. باید توجه داشت که ادامه صدور نفت و ورود کالاهای بازرگانی از راه خلیج فارس برای ایران جنبه حیاتی دارد پس کنار گذاردن ایران از ساختار امنیتی منطقه نامفهوم بوده و فقط به معنای بی‌ثباتی در خلیج فارس خواهد بود (جالینوسی و دیگران، 1393: 183). گذشتن راه‌های مهم تجاری از این منطقه، عاملی در گسترش تجارت بود، به ویژه تجارت مروارید که اهمیت ویژه‌ای داشت. اندک اندک با ورود استعمار و رقابت‌های جهانی، این منطقه به عرصه تاخت و تاز قدرت‌های جهانی تبدیل شد و قدرت‌های پرتغالی، هلندی، فرانسوی، بریتانیایی، روسی و آمریکایی، به ترتیب شانس خویش را در چپاول اقتصاد جوامع آن به بوته آزمایش گذاشتند تا این که در نیمه قرن بیستم، با اکتشاف نخستین چاه‌های نفت، در بحبوحه جنگ‌های جهانی، توجه بیش از پیش کشورهای صنعتی به این منطقه جلب شد. در سده بیستم با اکتشاف نفت، این منطقه به عنوان گذرگاه شصت درصد ذخایر جهانی نفت، نگاه نیازمندان جهانیان را به سوی خود کشانده و سرزمین‌های پیرامون خویش را به تب نوسانات اقتصادی - سیاسی جهان پیوند داده است. کشورهای این منطقه در درون مرزهای زمینی خود کانسارهای پرمایه نفت و گاز دارند، در گستره 220 هزار کیلومتر مربعی آب‌های خلیج فارس کانسارهای بزرگ نفت و گاز غنوده است و همین خود پرسمان، فلات قاره و دریای سرزمینی⁵ و در پی آن موضع‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی در پیوند با این پرسمان را به میان می‌کشد. آنچه خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نمود، کشف طلای سیاه بود؛ کالایی که پس از گذشت قرن‌ها، با وجود پیشرفت علم و فناوری هنوز جای‌گزین مناسبی برای آن یافت نشده است (ابراهیمی و امرایی، 1393: 77). در حقیقت تا قبل از کشف آمریکا، یعنی سال 1492 میلادی، کالاهایی چون مروارید، ابریشم، چینی، ادویه و...، از دو راه به غرب حمل می‌شد و آن دو راه مهم عبارت‌اند از:

1- راه زمینی معروف به جاده ابریشم⁶

2- راه دریایی معروف به راه ادویه⁷

کشورهای حاشیه خلیج فارس که بیش‌تر از شمار کشورهای جهان سوم هستند، در اولین قرن نوزدهم و با اکتشاف نفت، به درآمدهای بادآورده‌ی کلانی دست یافتند که هیچ‌گونه تلاشی برای کسب آن انجام ندادند. از سویی دیگر، به دلیل ساختار غیر دموکراتیک حاکمیت در این منطقه، بیش‌تر حاکمان، مقبولیت چندانی در بین افکار عمومی داخلی نداشتند و با علم به این واقعیت، حرکت به سمت سیاست‌های رفاه عمومی را آغاز کردند، بی‌آنکه اقتصاد این کشورها از زیرساخت‌های مناسب برخوردار باشد. کم‌کم فرهنگ مصرف‌گرایی در میان اقشار جامعه رواج یافت و دولت مجبور بود برای پاسخ به تقاضاهای مصرفی، هر روز بیش از پیش به واردات کالاهای لوکس خارجی بپردازد. هم‌چنین در حوزه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، از آن‌جا که توانایی جذب سرمایه‌های کلان را نداشتند، به جای گسترش صنایع مادر، به توسعه صنایع مونتاژ اکتفا کردند و بدین ترتیب، هر روز بیش از پیش به واردات خارجی وابسته شدند. اسراف در مصرف، تمایل زیاد به واردات و افزایش بی‌حساب هزینه‌های نظامی موجب برگشت قسمت زیادی از درآمدهای نفتی به غرب گردید و بیش‌تر ممالک عضو اوپک، برای پرداخت قروض خارجی خود، ناگزیر به گرفتن وامی سنگین از سازمان‌های مالی بین‌المللی شده‌اند. ذخایر ارزی فراوان و بالا رفتن قدرت

^۵ . Continental shelf and land sea

^۶ . The Silk Road or Silk Route was an ancient network of trade routes

^۷ . The Spice Way

خرید، این امکان را به وجود آورده است که هر کالایی را به هر قیمتی که شده، از هر نقطه دنیا، از ریودوژانیرو⁸ گرفته تا توکیو و نیویورک تا سنگاپور⁹ تهیه کنند. مقامات دولتی برای خشنودی مردم، بدون آینده‌نگری، هر آنچه را با پول می‌توان به دست آورد، خریداری می‌کنند و تلاش دارند که کمبودها را با واردات جبران کرده، اشتباهات خود را پوشیده نگاهدارند، بدین ترتیب، درآمدهای کلان نفت، مانع ظاهر شدن نارسایی‌ها و مشکلات موجود حاصله از اعمال سیاست‌های غلط کشاورزی و صنعتی می‌شود. این کشورها، حتی برای تهیه مواد غذایی نیز نیازمند بازارهای خارجی شده و در حوزه کشاورزی نیز که عموماً تا قبل از آن صادر کننده بودند، نیازمند واردات از خارج شده‌اند. در واقع، مصرف‌گرایی جدیدی است که اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس را فلج نموده و بیش از پیش به محصولات خارجی وابسته ساخته است. گویی تولید و استخراج نفت، بیش از آن که به نفع تولید کنندگان باشد، در راستای منافع کشورهای سرمایه‌داری است. درآمدهای بادآورده‌ی نفت، توان خرید این کشورها را بالا برده و به تبع، زان واردات آن‌ها را افزایش داده است و به این ترتیب، دلارهای نفتی، بار دیگر به ممالک صنعتی بازگردانده می‌شوند. خلیج فارس قسمتی از اقیانوس یا دریاست که کمابیش در خشکی پیشرفته است. مساحت آن نزدیک به 240000 کیلومتر مربع طول 800-850 کیلومتر بیشترین عرض 375 کیلومتر و دارای بیش از 130 جزیره که بزرگ‌ترین آن‌ها قشم، بوبیان، بحرین، لاوان و کیش و ... است. مساحت حوزه آبخیز آبریزهای منتهی به خلیج فارس حدود 350000 کیلومتر مربع است. آب‌های خلیج فارس بسیار شور است چون شرایط اقلیمی برای افزایش درجه شوری مناسب است اگر چه آب‌های اروند رود و کارون باعث کاهش آن می‌شود. همچنین خلیج فارس 0/062 درصد آب‌های سطح کره زمین را شامل می‌شود. خط القعر ناودیس خلیج فارس نزدیک سواحل ایران است که پس از عبور از مابین جزایر تنب و فارو در منطقه هرمز به سمت ساحل شبه‌الجزیره مسندام کشیده می‌شود. چنانچه به مرکزیت خلیج فارس دایره‌ای به شعاع 10000 کیلومتر ترسیم نماییم چهار قاره جهان (آسیا، اروپا، آفریقا و استرالیا¹⁰) در شعاع این دایره قرار می‌گیرند و تنها قاره‌ای که در ماوراء شعاع این دایره قرار دارد، آمریکا است؛ بنابراین خلیج فارس را می‌توان همان مکان مرکزی خشکی‌ها مذکور به جز آمریکا دانست که می‌تواند به عنوان هارتلند بیش از 0/080 جمعیت جهان محسوب گردد. مدار رأس سرطان از جنوب و مدار 30 درجه شمالی از شمالی‌ترین بخش خلیج فارس می‌گذرد؛ بنابراین خلیج فارس روی کمربند خشک و بیابانی نیمکره شمالی که وسیع‌ترین و خشک‌ترین بیابان‌های جهان را فرا گرفته، قرار دارد. نتیجه چنین شرایطی این است که خلیج فارس دریای است بدون یخبندان و آرام به لحاظ شرایط جوی، به عبارتی طوفان‌های دریایی که خطری برای کشتی‌رانی محسوب می‌گردد، تقریباً نادر و کمیاب است. این وضعیت سبب شده است که رفت‌وآمد کشتی‌ها و دیگر شناورها در تمام طول سال با آرامش و امنیت صورت گیرد و نقش مؤثری در داد و ستد یا تجارت منطقه‌ای و جهانی بازی کند. شاید بتوان گفت یکی از نیکی‌هایی که شامل ایران گردیده است قرار گرفتن در جوار خلیج فارس است. این خلیج چون پیشرفتگی آن در خاک فارس بیشتر از جاهای دیگر است و مالکیت آن از قدیمی‌ترین ازمینه با دولت و ملت ایران بوده، لذا به خلیج فارس مشهور است. اهمیت خلیج فارس به چهار عامل بستگی دارد. خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر استراتژیک، در منطقه خاورمیانه، به عنوان مهم‌ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دریای مدیترانه و دریای سرخ، اقیانوس هند، اقیانوس کبیر و اقیانوس اطلس¹¹ را به هم می‌پیوندد تشکیل می‌دهد (حافظ نیا، 1384: 20). از طرف دیگر خلیج فارس و تنگه هرمز، کشورهای حاشیه خود را با اقیانوس هند مرتبط می‌کند، که این امر باعث شده به صورت یک منطقه عملیاتی، در

⁸ . Rio de Janeiro

⁹ . Tokyo and New York, Singapore

¹⁰ . Asia, Europe, Africa and Australia

¹¹ . The Mediterranean Sea and the Red Sea, the Indian Ocean, the Great Oceans and the Atlantic Ocean

استراتژی‌های نظامی، مورد توجه قرار گیرد. مسیر خلیج فارس برای ارتباط‌های جهانی و تجارت بین غرب و شرق یا اروپا و قفقاز^{۱۲} از یک طرف و شرق و جنوب آسیا از طرف دیگر نزدیک‌ترین راه است و در واقع کانون عمده جمعیتی و صنعتی جهان را به یکدیگر وصل می‌کند به همین لحاظ است که صحبت از احیای جاده ابریشم در مسیر خشکی از سواحل خلیج مطرح می‌شود و یکی از پرتراфик‌ترین مسیرهای آبی و هوایی جهان است. خلیج فارس مهم‌ترین مرکز حساس و ثروت زای کشور است و همین کرانه‌های شربار خلیج فارس و همین آب‌های شور دریاست که سیل ثروت را به سوی جامعه ما سرازیر خواهد کرد (مدنی، ۱۳۵۷: ۹). خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین مخزن نفتی جهان، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اقتصاد جهان دارد، ذخیره نفتی خلیج فارس در سال ۱۹۸۸ برابر با ۶۴۹ هزار و ۶۵۵ میلیون بشکه برآورد شده است که معادل ۶۵/۵ درصد ذخایر کل جهان است، در سال ۱۹۸۷ میلادی ذخیره گاز آن را نیز ۳۱۰۱۰/۱۷ میلیارد متر مکعب برآورد کرده است. جمعیت حدود یکصد میلیون نفری حوزه خلیج فارس که مشمول درآمدهای نفتی می‌شوند، بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی غرب‌اند در نتیجه برای تصرف این بازار و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرت‌های اقتصادی غرب چون آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی رقابت‌هایی وجود دارد. خلیج فارس جدا از جنبه‌های ارتباطی، تجاری، سیاسی و ... از لحاظ دینی نیز مظهر پیدایش دین اسلام بوده است (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵). خلیج فارس در قلب جهان اسلام قرار دارد و فاصله آن با کرانه‌های شرقی و غربی دنیای اسلام، تقریباً برابر است. این منطقه کانون ظهور و پخش دین مبین اسلام بوده و از این منطقه اندیشه اسلامی به غرب و شرق و حتی امریکا منتشر شده است. حال به طور اجمال به بررسی عواملی که باعث همگرایی و واگرایی در منطقه می‌شود می‌پردازیم. بیش از ۶۲ درصد از کل منابع جهانی نفت و نزدیک به ۴۰ درصد از ذخایر جهانی گاز و کمابیش تمام ذخایر مازاد تولید نفت جهان در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد. ۹۰ درصد صادرات نفت از راه تنگه هرمز صورت می‌گیرد و میانگین هزینه تولید نفت در این کشورها پایین‌ترین هزینه تولید در جهان است. همچنین پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که سهم خلیج فارس در تولید جهانی نفت خام از ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۳ میلادی به ۳۳ درصد در سال ۲۰۲۰ میلادی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر منبع اصلی ثروت همه کشورهای خلیج فارس نفت است. با درک اهمیت آمار فوق و در صورت تشکیل سازمانی از کشورهای این منطقه و تعاملی مثبت با یکدیگر برای حل و فصل اختلافات بر سر میادین مشترک نفت و گاز و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در تولید و تبادل کارشناس و در نهایت تلاش برای استقلال از نیازمندی به تکنولوژی کشورهای فرامنطقه‌ای، می‌توانند مجموعه‌ای قوی و قطب اقتصادی مطرح در جهان باشند که بی شک نقطه عطف در ایجاد همگرایی منطقه‌ای خواهد بود. امنیت^{۱۳} در حوزه خلیج فارس زنجیره به هم پیوسته‌ای است که اگر برای کشوری مفقود شود برای دیگران نیز مشکل‌آفرین خواهد بود. در حقیقت شعار امنیت برای همه یا برای هیچ‌کس عملاً در خلیج فارس در دهه‌های گذشته تجربه شده است؛ بنابراین تأمین امنیت مسئولیتی همگانی است که می‌تواند به عنوان عامل بسیار مهمی در همگرایی برای صلح عمل نماید. بی‌شک این امنیت فقط می‌تواند با مشارکت همه کشورهای منطقه بدون قدرت فرا منطقه‌ای تحقق یابد. اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس به استثناء ایران عمر بسیار کوتاهی از همسایگی با هم به عنوان یک کشور مستقل تجربه نموده و مرزهای این کشورها روند طبیعی خود را سپری نکرده‌اند بلکه از جانب قدرت‌های خارجی تحمیل شدند و بنابراین هیچ کشوری از سوی همسایگان خود احساس امنیت نمی‌کند. به همین دلیل سه دهه پایانی قرن بیستم شاهد اختلافات و مناقشات عمده این کشورها بر سر مرزها بود. این اختلافات به جهت زمینی و دریایی بودن از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است که وقت و انرژی فراوانی از کشورهای منطقه را هدر داده است اختلافات ایران و

^{۱۲} . Europe and the Caucasus

^{۱۳} . Security

عراق در ابرود رود تقریباً تمام نیمه دوم قرن گذشته را در بر گرفت. جنگ هشت ساله دو کشور نتیجه نهایی آن بود اختلاف مرز دریای کویت و عربستان، اختلاف دریای عربستان و قطر، عمان و امارات در خشکی و دریا و مرز دریای بحرین و قطر تاکنون به صورت اصولی حل نشده است (مجتهدزاده، 1378: 71-70). همچنین اختلاف بر سر مرزهای فلات قاره ادامه دارد. این اختلافات حل نشده از عوامل مهم بروز تنش‌های منطقه‌ای و عامل مهم عدم اطمینان و همگرایی بین کشورهای خلیج فارس بوده و هست که نه تنها بین ایران و عراق و این دو کشور با شورای همکاری خلیج فارس واگرایی را شدت بخشید بلکه بین اعضاء شورای همکاری خلیج فارس گاه و بیگاه تنش ایجاد می‌کند و اعضاء را به مسابقه برای توسل به قدرتهای فرا منطقه‌ای وادار می‌نماید. البته در بعضی موارد اختلافات به صورت ریشه‌ای پایان نیافته است و از عوامل مهم عدم دسترسی به امنیت منطقه‌ای به شمار می‌آیند. سه کشور مقتدر منطقه یعنی ایران با داشتن جمعیت و وسعت و امکانات و نیروی نظامی مقتدر (قبل از اشغال) اما با ساحل بسیار کم یعنی 55 کیلومتر (جعفری ولدانی، 1371: 292)، عربستان با ذخایر عظیم نفتی و دستیابی به خلیج فارس و دریای احمر و وجود شهرهای مقدس مکه و مدینه، هر سه مدعی برتری و رهبری در منطقه بودند و برای ژاندارمی منطقه زمانی را با هم به رقابت سپری کرده‌اند این رقابت چند جانبه است. عراق با ایران، ایران با عربستان، عربستان با عراق. این سه کشور برای کسب اقتدار بیشتر و ایفای نقش گسترده‌تر در تحولات منطقه خلیج فارس نزدیک به سه دهه رقابت داشتند و به تقویت نیروهای نظامی و خرید تسلیحات جدید و پیشرفته دست زدند و علاوه بر آن در تلاش برای تقویت مواضع بین‌المللی خود، عراق و عربستان به قدرت‌ها و کشورهای فرا منطقه‌ای متمایل شدند و ایران تلاش خود را برای نفوذ در میان توده‌های مردمی منطقه متمرکز کرد. تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در یک یا چند نقطه جغرافیایی از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم بخصوص ایران است عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و تکیه سیاست‌گذاران به برنامه‌های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود از موانع اصلی توسعه ناموزون کشور است. برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در دوران سی ساله قبل از انقلاب نشان می‌دهد که به رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه، رژیم گذشته در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن بود که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زد و مانع از برخورداری متعادل همه مناطق از مواهب توسعه گردید. قشم بزرگ‌ترین جزیره ایران و خلیج فارس واقع در تنگه هرمز است. قشم به سه بخش مرکزی و بخش شهاب و بخش هرمز 7 دهستان تقسیم شده است. شهر قشم در شرقی‌ترین نقطه جزیره واقع شده است و به رغم آنکه این شهر نسبت به کل جزیره مرکزیت هندسی ندارد، اما به علت موقعیت مهم استراتژیک آن (دید گسترده به جنوب، شمال و شرق، دید به تنگه هرمز، نزدیکی به بندرعباس و...) از قدیم واجد اهمیت بوده و عمده‌ترین سکونتگاه جزیره محسوب می‌شده است. انتخاب شهر قشم به‌عنوان پایگاه اصلی توسعه منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم نیز بر اهمیت این شهر افزوده است.

جزیره‌های بزرگ پیرامون قشم جزیره هنگام، هرمز و لارک هستند. بعضی جزیره‌های کوچک اطراف قشم وجود دارند که فاصله کمی با ساحل جزیره دارند و هنگام برکشند و فروکشند (جزر و مد) به ساحل جزیره می‌پیوندند و می‌گسلند همین باعث نام‌گذاری این چند جزیره کوچک به‌عنوان جزایر ناز شده است که گویی در پیوستن به جزیره ناز می‌کنند. در گزارش سال 2016 خانه آزادی¹⁴ کشورهای نفتی خلیج فارس فاقد حقوق سیاسی و

¹⁴. Freedom House

آزادی‌های مدنی اعلام شده‌اند. عربستان سعودی کمترین امتیاز 10 و قطر بیشترین امتیاز یعنی 27 را در این رده‌بندی کسب کرده‌اند و به‌عنوان کشورهای غیر آزاد معرفی شده‌اند. میانگین این امتیاز برای شیخ‌نشین‌های نفتی خلیج فارس 22 است. در مقابل ایالات متحده با 90 امتیاز و کشورهای اروپایی با میانگین 88، آزادترین کشورهای جهان از نظر شاخص حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی اعلام شده‌اند. مونارشی‌ها و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به صورت خانوادگی و موروثی کشورهای خود را اداره می‌کنند. شیخ‌نشین‌های خلیج فارس فاقد احزاب سیاسی‌اند. در سایر کشورهای خاورمیانه که منابع و قابلیت‌های دولت به مانند پادشاهی‌های نفت خیز چندان گسترده نیست و تنش‌های سیاسی فراگیرتر است و محدود به اقلیت‌های حاشیه‌نشین نیست، فشار به مراتب بیشتری بر مناسبات حکمرانی وارد می‌شود. دولت‌های خاورمیانه‌ای همواره تلاش کرده‌اند بدون توجه به مشکلات پایه‌ای در روندهای دولت - ملت‌سازی منطقه و تنها با اتکا به درآمدهای نفتی این مشکلات هویتی را حل کنند. اگر بخواهیم به‌طور مشخص به تشریح اوضاع سیاسی شیخ‌نشین‌های نفتی خلیج فارس بپردازیم؛ می‌توان موارد زیر را به عنوان مشترکات سیاسی این منطقه برشمرد. نکته جالب توجه در مورد این مشترکات این است که در اکثر این موارد می‌توان ردپای عامل نفت و درآمدهای نفتی را نیز مشاهده کرد.

1- بحران مشروعیت، هویت و اصالت: شاید بتوان گفت هر چند با درجات مختلف ولی همگی کشورهای خاورمیانه از بحران مشروعیت و هویت رنج می‌برند. به دلیل فقدان دولت ملت‌سازی در منطقه، کشورهای خاورمیانه‌ای تلاش می‌کنند با اتکای کامل بر درآمدهای نفتی خود به مقابله با بحران‌های هویتی و در واقع خرید مشروعیت خود اقدام کنند.

2- بحران نمایندگی: در کشورهای نفتی خاورمیانه به دلیل اینکه دولت از نظر مالی وابسته به مردم خود نیست و با استفاده از منابع طبیعی به جای دریافت مالیات از مردم به آن‌ها سوبسید نیز می‌دهد، این دولت دیگر خود را نماینده و پاسخگوی ملت نمی‌داند.

3- انتخاب نخبگان سیاسی بر اساس الگوهای خویشاوندی و فقدان شایسته‌سالاری در روند چرخش نخبگان

4- سیاست‌های پوپولیستی را نیز می‌توان یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک نظام‌های سیاسی در این منطقه بحران‌زا دانست. درآمدهای نفتی همواره عاملی تقویت‌کننده برای سیاست‌مداران پوپولیست بوده که به وسیله درآمدهای هنگفت نفت سعی در اتخاذ سیاست‌های عوام‌فریبانه داشته‌اند.

5- دولت‌محوری و اقتدارگرایی نظامی: بسیاری از کشورهای خاورمیانه، بخش اعظمی از ثروت نفتی خود را که باید صرف توسعه اقتصادی‌شان کنند صرف مسائل امنیتی می‌کنند. در نتیجه چنین هزینه‌هایی از توان سرمایه‌گذاری کشور می‌کاهد و منابع محدود این جوامع را در زمینه کاملاً ناکارا مصرف می‌دارد، و به این طریق جلوی رشد و توسعه اقتصادی را می‌گیرد. این هزینه‌ها تنها باعث نابودی منابع ضعیف و بی‌بنیه این کشورها، بلکه باعث اضمحلال ساختار این جوامع می‌شود.

6- ناکارآمدی احزاب سیاسی را می‌توان از دیگر مشترکات سیاسی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه‌ای به حساب آورد. دولت‌های رانتهی به دلیل تسلط بر منابع نفتی و در نتیجه تسلط بر جامعه مانع از شکل‌گیری هرگونه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از جمله احزاب سیاسی می‌شوند.

7- فقدان یک الگوی بومی و منطقه‌ای برای توسعه و دنباله‌روی مطلق از الگوهای توسعه سیاسی و اقتصادی غربی که در اکثر موارد نیز این الگوهای وارداتی کمکی به حل مشکلات ریشه‌ای منطقه نمی‌کند.

یکی از موانع جدی اصلاحات در خاورمیانه اعم از شیخ‌نشین‌های نفتی خلیج فارس، جایگاه و نقش دولت‌های رانتی در این‌گونه نظام‌های حکومتی بوده است. ظهور دولت رانتی در خاورمیانه¹⁵ تأثیر زیان‌آوری بر توسعه اقتصادی و نیز گسترش آزادی‌های سیاسی داشته است؛ اما به نظر می‌رسد اکثر حکومت‌های خاورمیانه به دلیل اقتصادهای بیمار و متکی به رانت خود در معرض ابتلا به دیکتاتوری هستند و یا حتی بعضاً به این بیماری مبتلا شده‌اند. تأثیر اقتصادی این پدیده را می‌توان در وابستگی دولت به رانت‌ها به‌عنوان منبع اصلی درآمد مشاهده نمود که اساساً از نفت حاصل می‌شود. این وضعیت به نوبه خود مانع ظهور بورژوازی مستقل شده است که می‌تواند دولت را در فعالیت‌های اقتصادی سهیم کند یا در تنظیم حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیفش مورد اعتراض قرار دهد. دولت در عمل تلاش نموده است تا جمعیت را از طریق ارائه مجموعه‌ای از خدمات و فعالیت‌های اقتصادی که هزینه‌شان از طریق درآمدهای رانتی تأمین می‌شود، راضی نگه دارد. ایجاد و پیشبرد سیاست‌های پوپولیستی و شکل‌دهی جامعه توده‌ای از مشخصات حکومت‌های رانتی¹⁶ است. هرگاه جامعه به سمت توده‌ای بودن حرکت کند مردم از بسیاری از حقوق خود به دلیل نداشتن آگاهی محروم خواهند بود. ضعف طبقه متوسط و بورژوازی منتقد که همواره دولت را در رابطه با سیاست‌های اقتصادی و سیاسی‌اش مورد بررسی و نقد قرار دهد در یک جامعه توده‌وار دولت رانتی را قادر می‌سازد که به سیاست‌های اقتدارگرایانه و غیرمسئولانه خود به راحتی ادامه دهد.

نفت همواره به‌عنوان یک کالای استراتژیک اهمیت سیاسی و اقتصادی بسیاری به ویژه برای کشورهای خاورمیانه‌ای داشته است. نفت باعث ایجاد فرصت‌های فراوانی شد، امپراتوری‌های بزرگ صنعتی طی قرن بیستم حداقل یک جنگ بزرگ به راه انداختن که باعث گسترش استفاده از نفت شد، اوپک متولد شد، سیاست‌های جهانی با یکدیگر هم‌تراز شدند، با جرئت می‌توان گفت کشف ذخایر عظیم نفت در خاورمیانه در شکل‌گیری جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم نقش بسیار مهمی ایفا کرده است. این واقعیت که این منطقه بیشتر ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است نیز به خاورمیانه اهمیت بسزایی در اقتصاد جهانی اعطا کرده است. علاوه بر حضور بازیگران خارجی، بسیاری از عوامل داخلی مثل بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی نیز معضلات و چالش‌هایی جدی بر سر راه توسعه این منطقه به وجود آورده‌اند. کشورهای عرب چه در سطح قومی یا ملی (دولت ملت) و چه در سطح نظام عربی در پی ظهور پویایی‌های جاری جهانی‌شدن، بازنده شده‌اند. شکاف و ضعف استراتژیک ناظر بر امنیت قومی و امنیت ملی، مهم‌ترین چالش موجود در نظام عربی است. هیچ دورنمایی برای ایجاد یک بلوک سیاسی عربی که امنیت جمعی را به ارمغان آورد، وجود ندارد. بخش اعظم بحران‌ها و خشونت‌ها در خاورمیانه نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم صهیونیسم است و در مقابل، رژیم اشغالگر قدس سعی دارد بر این حقیقت ملموس سرپوش بگذارد. بحران خاورمیانه ناشی از آرمان فلسطین نیست، بلکه ناشی از موضع صهیونیسم است. امنیت در منطقه خلیج فارس به دلیل ساخت ویژه راهبردی و ژئوپلیتیک کشورهای منطقه، همواره بر روی دو پایه «موازنه» و «بازدارندگی»¹⁷ قرار داشته است. تسلط تهدید، رقابت، اختلاف و خصومت در الگوهای دوستی و دشمنی بازیگران مجموعه امنیتی خلیج فارس و موارد دیگری مانند رقابت‌های تسلیحاتی و اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک در سطح منطقه‌ای از موانع عمده شکل‌گیری امنیت پایدار در خلیج فارس محسوب می‌شوند. آمریکا به‌عنوان بازیگری مداخله‌گر در مجموعه امنیتی خلیج فارس

¹⁵ . Middle East

¹⁶ . Rentier states

¹⁷ . Balance and deterrence

محسوب می‌شود که مانع از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای شده است و حتی سیاست‌های آن به تشدید رقابت‌ها و خصومت‌ها انجامیده است.

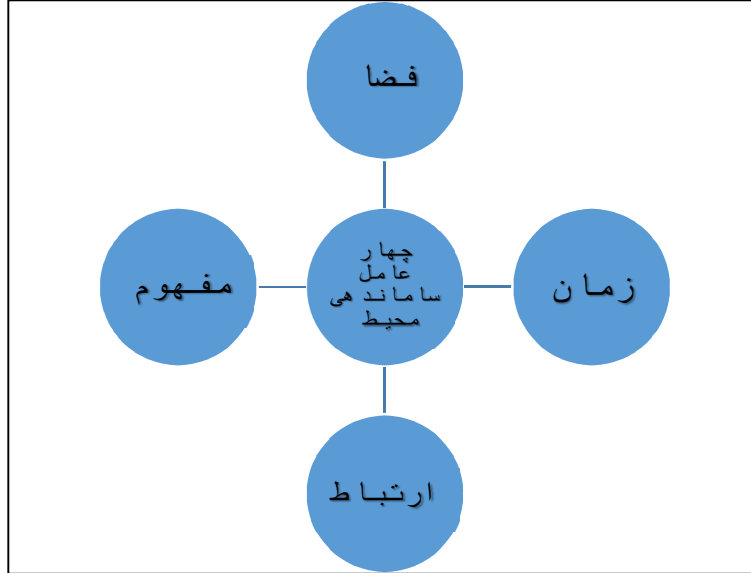
- نتیجه‌گیری

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. سازمان‌دهی سیاسی فضا نیز عبارت از فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود. سازمان‌دهی سیاسی فضا که سطوح محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی را شامل می‌شود، فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده است، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازمان‌دهی می‌شود. مهم‌ترین اهداف انجام این فرآیند، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است. در سطح ملی سازمان‌دهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود. نظر به این که یک کشور در بطن مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، کشور تشکیل می‌شود؛ بنابراین همه موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی جغرافیای انتخابات، از جمله مسائل مرتبط با کشور هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در حوزه مسائل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک است، به طور سنتی درباره مناسبات قدرت در سطح جهان و راه‌های دست‌یابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث و بررسی می‌شود. در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده است تنوع بیشتری به مباحث ژئوپلیتیک بخشیده و این شاخه از جغرافیای سیاسی مفاهیم تازه و متنوعی را مورد بحث قرار می‌دهد. کشورهایی که امروز آن‌ها را تحت کشورهای حوزه خلیج فارس می‌شناسیم 8 کشور هستند که 6 کشور عربستان، قطر، امارت متحده عربی، بحرین، عمان و کویت عضو شورای همکاری خلیج فارس¹⁸ که بعد از جنگ ایران و عراق شکل گرفت هستند و دو کشور دیگر یعنی جمهوری اسلامی ایران و عراق که عضو این شورا نیستند. امارات متحده عربی که به ندرت متحد بوده است چون هنوز حدود یک سوم از اختلافات راضی میان امارات متحده عربی حل و فصل نشده با مساحت 83 هزار کیلومتر و جمعیتی بالغ بر 5/2 میلیون نفر خود متشکل از هفت شیخ‌نشین است. سایر کشورها نیز به ترتیب: عمان با وسعت 220 الی 230 هزار کیلومتر و جمعیت 2 میلیون نفر، قطر 11 هزار کیلومتر مربع و جمعیت 500 هزار نفر، بحرین 622 کیلومتر مربع با 600 هزار نفر جمعیت که کوچک‌ترین کشور حوزه خلیج فارس است که حتی از جزیره قشم هم کوچک‌تر است، کویت 17 هزار کیلومتر و جمعیت تقریباً 2 میلیون نفر، عراق 438 هزار کیلومتر و جمعیت 23 میلیون نفر، عربستان با مساحت 100/2 میلیون کیلومتر مربع و جمعیت 21 میلیون نفر و ایران که با 79 میلیون نفر جمعیت و وسعت 1648000 کیلومتر مربع است. بنابراین جمعیت کل کشورهای عربی حوزه خلیج فارس 45 میلیون نفر است که از کل جمعیت ایران کمتر است و اگر مساحت عربستان را که بیشتر شامل صخره‌هاست از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس برداریم مساحت ایران از کل آن‌ها بیشتر است. پس از اعلام خروج انگلستان از خلیج فارس در 1968 میلادی قرار شد بین امیرنشین‌های کوچک، اتحادیه‌ای ایجاد شود. تأسیس اتحادیه مزبور بدون موافقت ایران امکان‌پذیر نبود. همچنین، ایران از ادعای حاکمیت خود بر بحرین دست برداشت

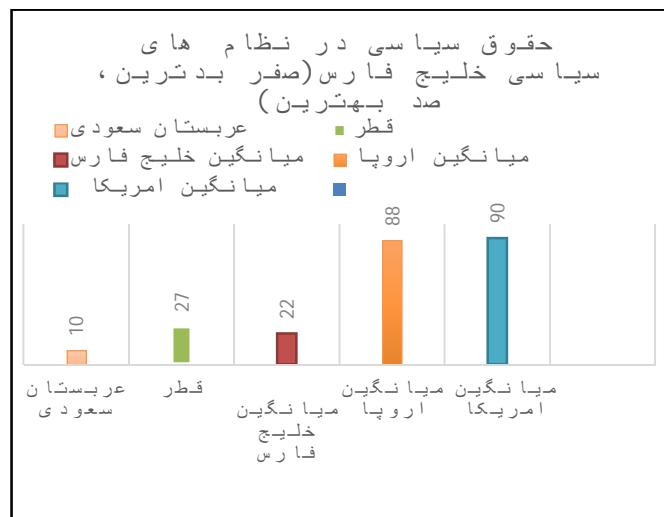
¹⁸ . Persian Gulf Cooperation Council

در مقابل جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی در دهانه تنگه هرمز مجدداً به تصرف ایران در آمد. تصرف ابوموسی به موجب موافقتنامه با شیخ شارجه عملی گردید. در این امر به طور کلی ترتیباتی بین دولت انگلستان - ایران و حاکم شارجه و رأس الخیمه (در مورد تنب ها) داده شد و فقط پس از این گونه توافق ها بود که تشکیل فدراسیون امارات متحده عربی امکان پذیر شد. به علاوه، ایران در آن زمان تعهد کرد که حفظ امنیت خلیج فارس را پس از خروج انگلستان در 1971، به عهده بگیرد. لازم به یادآوری است که در هر حال حاضر مجدداً انگلیس و امریکا با نیرویی به مراتب بیش از گذشته به خلیج فارس بازگشته اند و با شش کشور جنوبی خلیج فارس قراردادهای امنیتی امضاء کرده اند و ایران را از این گونه ترتیبات مستثنی کرده اند. تنشج بر سر جزایر نیز از این فضای جدید نشأت گرفته است. خلیج فارس که روزگاری از آن به عنوان سبز دریایی که به هنگام روز، فیروزه گون است و شب هنگام از آن آتش بر جهد نام برده می شد، اکنون به عنوان یکی از آلوده ترین مناطق دریایی جهان شهرت پیدا کرده است. به نظر می رسد استمرار آلودگی ها طی سال های آینده به موازات استمرار بهره برداری از منابع، یک واقعیت و بیش از استانداردهای بین المللی باشد. مهم ترین دلایل غیرانسانی آلودگی، عمق کم آب (35 متر)، تبخیر زیاد آب (به میزان 400-150 سانتیمتر در سال)، بالا بودن میزان نمک و مدت زمان طولانی چرخش آب (حدود 3 تا 5 سال) و دلایل انسانی وقوع سه دهه جنگی، تردد ناوهای اعم از نظامی و غیرنظامی، توسعه میادین و حوضه های نفتی و احداث جزایر مصنوعی است؛ بنابراین، منطقه آسیب پذیری های بیشتری را در سال های آینده نیز تحمل می کند و این موضوع بر حیات و امنیت جوامع بومی منطقه به طور مستقیم اثر می گذارد. بر اساس تعریف لیبرال ها از امنیت و تسری آن از دولت - محوری به امنیت انسانی، این آسیب ها در زمره معضلات منطقه ای و بین المللی محسوب می شود. امنیت انسانی شامل حمایت از شهروندان در مقابل تروریسم فراملی، آلودگی های زیست محیطی، خشونت های قومی، فقر، بیماری های مهلک و واگیردار و وضعیت بد اقتصادی است، در حالی که امنیت دولت - محور به معنای حمایت از تهدیدهای مرزهای سرزمینی و ارتش است. در حال حاضر، دیگر دولت ها تنها بازیگران حمایت از امنیت نیستند و سازمان های منطقه ای و بین المللی و سازمان های غیردولتی بازیگرانی هستند که نقش عمده ای در تأمین امنیت بر عهده دارند. طبیعی است که امنیت انسانی و امنیت دولتی، یکدیگر را تقویت کرده و به هم وابستگی کامل دارند. امروزه بدون امنیت انسانی، امنیت دولتی نمی تواند به دست آید. در این راستا به قول کتلین برادن، گویا امنیت زیست محیطی و سیاست بین الملل از تأثیرات گازهای گلخانه ای گرفته تا انقراض گونه ها در آب های منطقه ای و بین المللی به یکدیگر مرتبط است. پس همان طور که کشورهای ساحلی و غیر ساحلی در استفاده از منابع نفتی شریک هستند، باید به دنبال راه حل های مشارکت آمیز در جهت حفظ امنیت زیست محیطی خلیج فارس باشند. در غیر این اصلی رشد و توسعه اقتصادی در منطقه است. عملکرد شیخ نشین کوچک امارات عربی متحده در عمر کوتاه خود، در برابر ایران، همواره نشان دهنده اولویت سیاست پان عربیسم، در تهدید میهن دوستی ایرانی بوده است. دولت امارات از آغاز پیدایش، نسبت به جزایر سه گانه ایرانی که در 68 سال اشغالگری انگلیس مورد ادعای شیخ شارجه و رأس الخیمه بود، ادعای مالکیت دارد؛ قسمت اعظم ذخایر نفتی و گازی ایران در خلیج فارس واقع شده و از آن مهم تر اینکه تقریباً تمام نفت ایران، از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز به خارج صادر می شود. ایران برخلاف بسیاری کشورهای منطقه، از خط لوله انتقال نفت به خارج برخوردار نیست و از این لحاظ به شدت به تنگه هرمز وابستگی دارد، همچنین حدود هشتاد درصد تجارت خارجی ایران از طریق خلیج فارس انجام می پذیرد که شامل هر دو بخش واردات و صادرات است. شهر قشم در شرقی ترین نقطه جزیره واقع شده است و به رغم آنکه این شهر نسبت به کل جزیره مرکزیت هندسی ندارد، اما به علت موقعیت مهم استراتژیک آن (دید گسترده به جنوب، شمال و شرق، دید به تنگه هرمز، نزدیکی به بندرعباس و...) از قدیم واجد اهمیت بوده و عمده ترین سکونتگاه جزیره محسوب می شده است. انتخاب شهر قشم به عنوان پایگاه اصلی توسعه

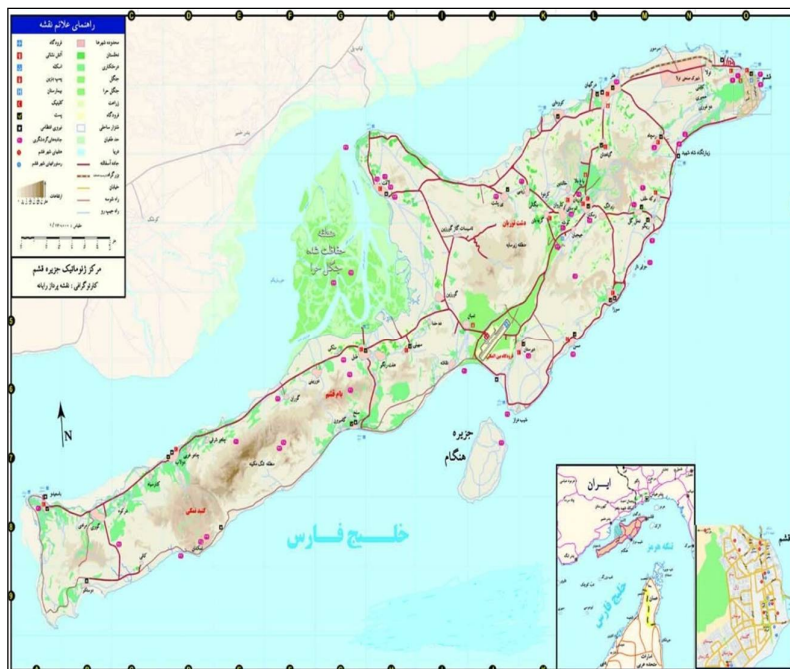
منطقه آزاد تجاری-صنعتی قشم نیز بر اهمیت این شهر افزوده است. مساحت جزیره 1491 کیلومترمربع، حدود 5/2 برابر دومین جزیره بزرگ خلیج پارس یعنی بحرین است. طول جزیره از بندر قشم تا بندر باسعید و در انتهای جزیره را در منابع مختلف بین 100 تا 130 کیلومتر تخمین زده‌اند و بیشتر روی طول 115 و 120 کیلومتر تکیه شده است. در گزارش توجیهی اجرای قانون تعاریف، طول سراسری جزیره قشم را 120 کیلومتر ذکر کرده‌اند. عرض جزیره، در نقاط مختلف متفاوت بوده و به‌طور متوسط دارای سه عرض: کم (بین طبل و سلخ)، زیاد (بین لافت کهنه و شیب دراز) و متوسط (در منطقه اسکان) است. با این وجود، عرض متوسط جزیره قشم را 11 کیلومتر می‌توان محسوب داشت. جزیره قشم بیشترین سواحل و کرانه‌ها را در بین جزایر خلیج فارس به خود اختصاص می‌دهد. سواحل زیتون، سیمین، جزایر ناز، سوزا، مسن، شیب دراز، سلخ و دوستکو از دیدنی‌ترین سواحل جزیره قشم محسوب می‌شوند. از ویژگی‌های ساحل شناختی این جزیره، تنوع سواحل صخره‌ای، ماسه‌ای و گلی آن است که چنین خصوصیتی به‌طور یک‌جا در کمتر جزیره‌ای یافت می‌شود. سواحل شنی و ماسه‌ای نقره‌فام و سیمین براق نیز از دیگر انواع سواحل در جزیره قشم محسوب می‌شوند. ساحل صخره‌ای زیتون، ساحل شنی سیمین و سواحل گلی لافت و جنگل‌های حرا تنوع سواحل قشم را نشان می‌دهند. ساحل صخره‌ای ریگو معروف به ساحل لاک‌پشت‌ها نیز از دیگر سواحل زیبای جزیره قشم است که لاک‌پشت‌ها در آنجا برای نفس‌گیری و تغذیه به‌روی آب می‌آیند. سواحل زیبای جزیره هنگام در دو کیلومتری خط ساحلی جنوب جزیره قشم زیستگاه دلفین‌های باهوش و بازیگوش است که این مسئله موجب جذب گردشگران علاقه‌مند به قشم و جزیره هنگام شده است (رستم‌گورانی و دیگران، 1392: 27).



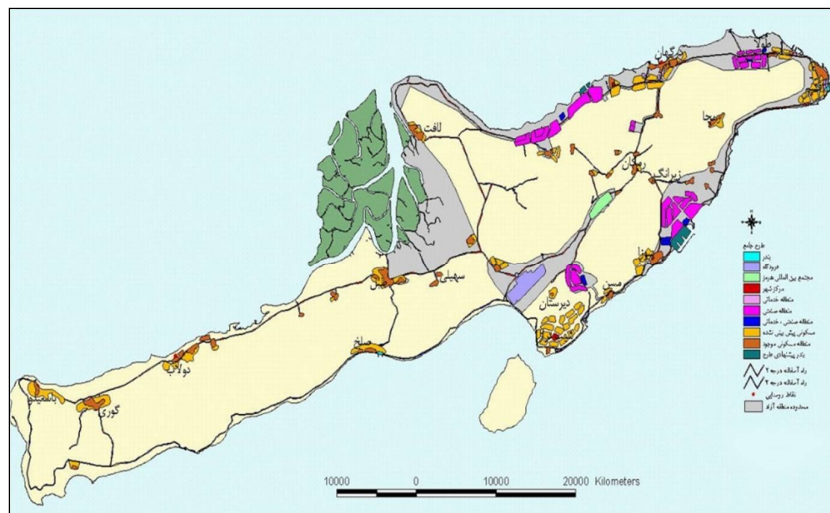
نمودار شماره 1-2- ابعاد ساماندهی به محیط



نمودار شماره 2 وضعیت نظام های سیاسی در منطقه خلیج فارس



نقشه شماره 1- موقعیت جغرافیایی خلیج فارس در ارتباط با قشم



نقشه 5-1 موقعیت جزیره قشم

Planning and organizing political, security and economic space in the Gulf region in order to present a strategic model for the regions of Iran; Case Study of Qeshm Island
Abstract

Undoubtedly the ultimate goal of all schedules is achieving sustainable development, regional equilibrium, proper distribution of activities and the use of maximum environmental capabilities in the development of areas. The main purpose of this article is to Planning and organizing political, security and economic space in the Persian Gulf region in order to present a strategic model for regions of Iran, a case study of Qeshm Island. The main question of this treatise is that the planning and organization of the political, security and economic space in the Persian Gulf region must have what features and coordinates. Which can be used as a model for all areas of this region, including Qeshm Island? In addition to the main question, other sub questions are also raised in this essay including what is the history of organizing space? What ideas have been made about organizing space? Proper organization of human activities in the territory of the land is the ultimate goal of all planning at different levels. Although at the micro level locating to maximize company profits and, in fact, better performance is the spatial consequence of this type of planning but this locality Plays a role in line with the higher goal the logical arrangement of activities in the territory in other words a proper and hierarchical planning process Start with national planning and development through mid-term development plans and macroeconomic planning it leads to micro level planning. The present research is qualitative where it has been tried using library resources and research papers as well as other scientific sources to be paid to plan and organize political, security and economic space in the Persian Gulf region in order to present a strategic model for Iran, a case study of Qeshm Island.

Key Words: Planning, Space Organization, Persian Gulf Region, Qeshm Island, Iran.

- منابع

1. ابراهیمی، ش، و امرایی، م، 1393، معضل ناامنی و واگرایی در منطقه خلیج فارس: راه کارهای نظری، فصلنامه روابط خارجی، شماره 24 (20 صفحه - از 77 تا 96).
2. اسکوفیلد، ر، 1377، مناقشات مرزی در خلیج فارس، فصلنامه گفتگو، شماره 21 (10 صفحه - از 41 تا 50).
3. اسماعیل پورمقدم، ه، و دهباشی، و، و درینی، و، 1395، تجزیه و تحلیل تأثیر بی ثباتی سیاسی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر تجارت بین الملل، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، شماره 20 (19 صفحه - از 101 تا 119).
4. اکبری، ن، 1384، مفهوم فضا و چگونگی اندازه گیری آن در مطالعات منطقه ای، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره 23 (30 صفحه - از 39 تا 68).
5. جالینوسی، ا، و البرزی، ه، و طباطبایی، ی، 1393، نقش واگرایی آمریکا در منطقه خلیج فارس، پس از 11 سپتامبر، شماره 10 (32 صفحه - از 183 تا 214).
6. جعفری ولدانی، ا، و صفوی همامی، س، و حکیم، ح، 1394، تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز و تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی حاصل از آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره 28 (26 صفحه - از 135 تا 160).
7. حافظ نیا، م، و قصری، م، و احمدی، ح، و حسینی، ح، 1384، قومیت و سازماندهی سیاسی فضا (مورد: غرب و شمال غرب ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره 2 (18 صفحه - از 5 تا 22).
8. رستم گورانی، ا، و بیرانوند زاده، م، و علی زاده، س، و حشمتی جدید، م، 1392، بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی، فصلنامه آمایش سرزمین، شماره 8 (24 صفحه - از 27 تا 50).
9. قراکز لو، م، 1379، خلیج فارس، خلیج فارس است؛ نیم نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 155 و 156 (18 صفحه - از 36 تا 53).
10. کریم زاده، ع، و قادری کنگاوری، ر، 1392، تأثیر بیداری اسلامی بر تغییر مناسبات قدرت در نظام بین الملل، فصلنامه آفاق امنیت، شماره 19 (34 صفحه - از 73 تا 106).
11. گلفشان، ع، و واثق، م، 1395، بررسی و تبیین نقش اندیشه های فلسفی در جغرافیای سیاسی (مطالعه موردی: جغرافیای سیاسی در اندیشه توماس هابز)، فصلنامه جغرافیای سیاسی، شماره 3 (33 صفحه - از 167 تا 199).
12. ماکویی، س، 1385، اختلاف های مرزی در خلیج فارس، فصلنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره 106 و 107 و 108 (5 صفحه - از 29 تا 33).

13. مجتهدزاده، پ، 1378، جزایر تنب و ابوموسی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره 46 (30 صفحه - از 195 تا 224).
14. مدنی، س، 1385، تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره 20 (22 صفحه - از 149 تا 170).
15. نسترن، م، و میرزایی، ع، 1394، تحلیل کمی عوامل مؤثر بر سلامتی به منظور تحقق اهداف برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مطالعه‌ی موردی: شهرستان‌های استان اصفهان، فصلنامه آمایش محیط، شماره 30 (24 صفحه - از 39 تا 62).

1. <http://qeshmgeopark.ir>
2. <https://www.amar.org.it/>
3. <http://jaddeh.persianblog.ir>
4. <http://www.bia2dolab.blogfa.com>
5. <http://naftema.com>